

غزل شماره ۱۷۷

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند

نه هر که آینه سازد سِکندری داند

نه هر که طُرفِ کُنج نهاد و تُو شد نشست

کلاه داری و آیین سروری داند

تو بندی چو که ایان به شرطِ مزد مکن

که دوست خود روش بنده پروری داند

غلامِ همتِ آن رندِ عافیت سوزم

که در کدِ اصفیٰ کیمیاگری داند

وفا و عهد نکو باشد از پیاموزی

وگر نه هر که تو بینی ستمگری داند

بیا تخمِ دلِ دیوانه و ندانتم

که آدمی بچه‌ای، شیوه‌پری داند

خزار نکته‌باریک ترز مو این جاست

نه هر که سر تراشد قلندری داند

مدارِ نقطهٔ پیش ز خالِ توست مرا
که قدرِ کوهر یک دانه جوهری داند

به قد و چهره هر آنکس که شاهِ خوبان شد
همان بگیرد اگر داد گستری داند

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه
که لطفِ طبع و سخن کستنِ درمی داند

تفسیر فال

ظاهر بینی و قضاوت بر اساس ظواهر، نه تنها می‌تواند تصمیم‌گیری‌های نادرستی را به همراه داشته باشد، بلکه ممکن است فرصت‌های ارزشمندی را نیز از دست بدهی. بنابراین، لازم است که حواست را جمع کنی و درک کنی که افرادی ممکن است به دنبال فریب دادن تو باشند. آن‌ها از نظر هوش و زیرکی ممکن است نسبت به تو برتری داشته باشند و این نکته‌ای است که باید همواره در نظر داشته باشی. در این مسیر، خوشبختانه شخصی در کنار توست که می‌تواند راهنمایی‌ات کند و با تجربه و دانش خود، تو را از چالش‌ها عبور دهد. قدر این رابطه ارزشمند را بدان چراکه چنین فردی می‌تواند به عنوان چراغ راهنمایی عمل کند که تاریکی‌های ناشناخته‌ی مسیر زندگی را روشن می‌کند. اگر به نصایح او گوش دهی و از تجربیاتش بهره‌برداری کنی، آنگاه تمام جهان فرصت‌هایی بی‌پایان برای تو خواهد بود. این حمایت نه تنها باعث افزایش اعتماد به نفس تو خواهد شد بلکه با ایجاد دیدگاه‌های جدید، افق‌های تازه‌ای پیش رویت باز می‌کند.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)